



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۷

تأثیر هویت‌نقشی بر راهبردهای تصمیم‌گیری در مورد پرونده هسته‌ای و بازنمایی آن در دوره روحانی^۱

حمید احمدی‌نژاد^۲، عنایت‌الله یزدانی^۳، سعید وثوقی^۴

چکیده

ساخت‌های ذهنی، ویژگی‌های فردی، ارزشی و روانی کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف به هویت‌مبندی بر نقش خاص منجر شده است و این امر در اتخاذ تصمیم درباره پرونده هسته‌ای راهبردهای متفاوتی در پی داشته است. ادراک و بازنمود هویتی سازگار با ساختار نظام بین‌الملل یا تضاد با آن، در کاهش یا تشدید منازعه هسته‌ای ایران نقش متفاوتی ایفا کرده است. هویت‌نقشی که گفتمان روحانی ارائه کرد به دلیل آشنایی این گفتمان با پارادایم درونی نظام بین‌الملل و در نتیجه تأکید بر اعتدال‌گرایی و رویکرد برد-برد، خود را به‌عنوان بازیگری در قالب فرهنگ کانتی نشان داد. هدف اصلی این مقاله پاسخ به این سؤال است که هویت‌نقشی در گفتمان روحانی پرونده هسته‌ای ایران را به چه طریقی بازنمایی کرد و چگونه راهبردهای تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار داد؟ یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری و براساس روش توصیفی

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۱

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: a.hamid@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: eyazdan@ase.ui.ac.ir

۴. استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان؛ رایانامه: s.vosoughi@ase.ui.ac.ir



- تحلیلی نشان می‌دهد که پرونده هسته‌ای در این دوره در قالب یک موضوع سیاسی غیرامنیتی و قابل مذاکره بازنمایی شد و بنا بر رویکرد عقلانی هزینه و فایده، برای تصمیم‌گیری در خصوص آن راهبردهای شهودی چندوجهی و گروه کوچک به کار گرفته شد.

کلیدواژه‌ها: هویت، بازنمایی، پرونده هسته‌ای، اعتدال‌گرایی، رویکرد برد-برد، راهبرد شهودی چندوجهی، راهبرد گروه کوچک.

۱. مقدمه

تطور و تحول هویت‌های نقشی متفاوت در جمهوری اسلامی ایران مناسبات و رویکردهای متفاوتی بین ایران و دیگر بازیگران نظام بین‌الملل به وجود آورده است. به این معنا که برجسته شدن هویت نقشی خاصی در هر دوره از سیاست خارجی، رفتار جمهوری اسلامی ایران را متناسب با آن هویت تغییر داده و در مقابل موجب شده است که دیگران نیز برخوردی فراخور همان رفتار داشته باشند. نکته اساسی اینجا است که هویت‌های مبتنی بر نقش دووجهی هستند. یعنی از یک سو تحت تأثیر به حاشیه راندن یا برجسته کردن ارزش‌ها و باورهای خاص از سوی افراد کارگزار هستند و از طرفی دیگر تحت تأثیر هنجارهای بین‌المللی اند. بنابراین، نزدیکی و قرابت هنجارها، ارزش‌ها و قواعد منعطف از هویت نقشی در یک گفت‌وگو با هنجارهای نظام بین‌الملل به تعامل، دوستی و اعتدالی منافع می‌انجامد و به همان میزان اختلاف میان این دو باعث جایگزینی تقابل به جای تعامل می‌شود. این امر نشان می‌دهد که چگونه فیلترهای هویتی و ساخت‌های بین‌ذهنی بر ساخته می‌توانند به بحران منجر شوند یا به همان اندازه زمینه حل یک بحران را فراهم آورند. چرا که هر تغییر در هویت یک دولت بر سایر دولت‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و آن‌ها هم تلاش می‌کنند تا رفتار سیاست خارجی خود را با این هویت تغییر یافته تطبیق دهند. نکته قابل تأمل در این فرایند اجتماعی آن است که علی‌رغم تأثیرگذاری دوسویه سطح داخلی و خارجی در قوام بخشیدن به هویت یک دولت، این هویت ابتدا تحت تأثیر هنجارهای سطح داخل شکل می‌گیرد، دیگران را به عنوان دوست، دشمن یا رقیب تعریف می‌کند و سپس وارد محیط بین‌المللی می‌شود و با آن به تعامل می‌پردازد.

با توجه به این تقدم و تأخر در شکل‌گیری، باید گفت هویت سازنده اصلی شاکله تصمیم‌سازی و در نهایت اجرای سیاست خارجی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۹۶). بنابراین، هدف اصلی این مقاله بررسی رویکردهای تصمیم‌گیری درمورد پرونده هسته‌ای و بازنمایی آن در دوره روحانی از دریچه هویتی است که برای خود و دیگری تعریف کرده است. سؤال اصلی مقاله این است که هویت نقشی در گفت‌وگو روحانی پرونده هسته‌ای ایران را به چه طریقی بازنمایی کرد و چگونه راهبردهای تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار داد؟ مقاله بر



پایه چارچوب مفهومی سازه‌انگاری و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این سؤال می‌پردازد.

۲. چارچوب نظری

سازه‌انگاران روابط بین‌الملل را جامعه‌ای مرکب از کنشگران اجتماعی می‌دانند که در تعامل با یکدیگر هستند و تعامل آن‌ها بر مبنای قواعد و هنجارهایی صورت می‌گیرد که به‌طور بین‌الذهانی شکل گرفته‌اند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۰). از دید جان راگی،^۵ همان‌گونه که در روابط میان افراد فهم‌هایی بین‌ذهنی وجود دارد، در روابط میان دولت‌ها هم چنین فهم‌هایی وجود دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۰). متأثر از همین فهم و برداشت ذهنی، معمای امنیت بیش از آن که از واقعیت نشئت بگیرد ساخته خود دولت‌ها است (Wendt, 1995: 73). سازه‌انگاری همچنین بیان می‌دارد که کنشگران به وسیله محیط بین‌المللی شکل می‌گیرند و از طرف دیگر بر آن تأثیر می‌گذارند و در واقع محیط بین‌المللی بخشی از عرصه کنش‌های متقابل بازیگران است (Orjita, 2011: 27). دولت به‌عنوان موجود مشارکت‌کننده در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اتکا بر هویت نقشی خود، نمی‌تواند بابتی توجهی به هنجارهای مسلط، اهداف خود را پیگیری کند (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۳-۸). البته هنجارها باعث نمی‌شوند دولت به رفتار خود جهت خاصی بدهد، اما دلایل عقلانی را فراهم می‌آورند تا دولت بتواند عمل خود را بهتر انجام دهد (Woods, 1997: 26). این گزاره بدین معنا است که هنجارها به منزله بخشی از توضیحات در مورد منافع دولت، اگرچه خط‌مشی‌های سیاسی روشنی را معین نمی‌کنند ولی جهت و دیدی کلی ارائه می‌دهند که می‌تواند برای اقدامات سیاست خارجی دولت‌ها نقشه راه تلقی شود (Bjorkdahl, 2002: 22). در همین زمینه، کاتزنشتاین بیان می‌کند که بازیگران در قالب تصورات خود که برآمده از محیط داخلی، اسطوره‌ها، ایدئولوژی‌ها و باورهای عمومی آن‌ها است، وارد عرصه بین‌المللی می‌شوند (Katzenstein, 1996: 58-65) و سازه‌انگاری تلاش می‌کند تصویر واقعی تری از الگوهای رفتاری دولت‌ها در این عرصه ارائه دهد (بزرگمهری و احمدیان، ۱۳۹۲: ۶۳۹)؛ برای این منظور نیز بر هویت بازیگران به‌عنوان راهنمای رفتاری و عامل مؤثر در شکل دادن به کنش سیاسی آن‌ها متمرکز می‌شود؛ چرا که دگرگون‌پذیر بودن هویت‌ها منجر به تغییر و تحول بنیادین در سیاست بین‌الملل می‌شود (Mansbach, 2002: 15). بنابراین، نحوه شکل‌گیری و وضعیت هویت عامل اصلی مطالعه سیاست خارجی را در نظریه سازه‌انگاری شکل می‌دهد (ونت، ۱۳۸۴: ۷۲۳). از منظر سازه‌انگاری، هویت‌ها بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند و در نتیجه دولت برای مشروعیت بخشیدن به اقتدار استخراجی که بر هویت آن در خارج تأثیر می‌گذارد،

5. J. Ruggie



باید از طریق یک نوع هویت ملی در داخل عمل کند (wendt, 1999: 35). در واقع، تحول متغیرهایی مانند تجربه‌ها، ایدئولوژی، عوامل سیاسی و... در سطح ملی باعث تغییر رویکرد و راهبرد یک دولت نسبت به نظم مستقر می‌شود (Schweller, 2014: 38) و این تغییر رویکرد تغییر روابط و راهبردهای دولت‌های دیگر را به همراه دارد. چرا که رفتار متکی بر هویت است و درک این که ما چه کسی هستیم، به طور مستقیم بر فهم ما از آنچه باید انجام دهیم، تأثیر می‌گذارد (رسولی ثانی آبادی و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲۴۷).

۳. هویت نقشی در گفتمان اعتدال

اعتدال‌گرایی به معنای نفی افراط و تفریط و ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیات به سمت آرمان‌هاست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵). پایه این گفتمان در سیاست خارجی نه تسلیم، ستیز و تقابل، بلکه تعامل سازنده و مؤثر با جهان است (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۰۲). مهم‌ترین عناصر این گفتمان عبارت‌اند از:

۳.۱. تعادل

تغییر تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، دیدگاه‌ها، و درک سیاستمداران و نیز گردش‌نخبگان و ظهور ادبیات جدید در عرصه سیاسی همگی نشان‌دهنده فصل جدیدی در سیاست خارجی دوره روحانی بود (Haghgoo, Ghaffari Hashjin and Aghaei, 2017: 249). دال مرکزی این فصل جدید مفهوم تعادل بود. این دال به معنی ایجاد توازن بین واقع‌بینی منطق دولت - ملت جمهوری اسلامی ایران و آرمان‌گرایی منطق انقلاب اسلامی در سیاست خارجی است. در نتیجه به موجب این دال، در سیاست خارجی ضمن توجه به آرمان‌های انقلاب اسلامی، واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی نیز مد نظر قرار می‌گیرد به گونه‌ای که آرمان‌ها باعث ندیدن واقعیت‌ها و واقعیت‌ها نیز موجب غفلت از آرمان‌ها نمی‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹).

۳.۲. تعدیل ایدئولوژی

ویژگی‌های خاص گرایانه ایران به عنوان کارگزار باعث شده است ساختار نتواند خود را برای ایجاد تعامل با آن اقناع کند. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها ایدئولوژی‌گرایی بوده است که منطق آن غالباً باعث مسئولیت‌ها، وظایف و تکالیف رهایی‌بخش در رفتار سیاست خارجی ایران شده است (Mohammad Nia, 2012: 12). در این باره، شیرین هانتزر معتقد است ایدئولوژی موجب شده است ایران پس از جنگ سرد نتواند با نظام بین‌المللی سازگار



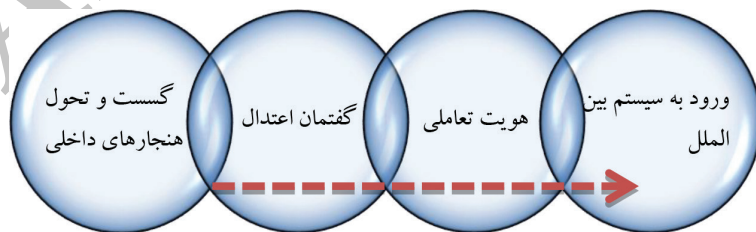
شود و نتیجه این امر سیاست‌های غیرمنطقی این کشور بوده است (Warnaar, 2013: 29). بر همین اساس، روحانی با اعتقاد به این که دغدغه‌های ایدئولوژیک در اتخاذ سیاست خارجی خوب سهمی ندارند (امینی، ۱۳۹۳: ۱۲) نقش این مؤلفه را در سیاست خارجی تعدیل کرد.

۳.۳. تعامل برابر و سازنده

روحانی با این استدلال که مبنای تعامل درک و فهم پیام‌ها و کنش‌های معنایی است که امکان نزدیکی و برقراری ارتباط و مفاهمه بین دو طرف را فراهم می‌کند (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۵: ۵۵)، روابط با جهان خارج را بازسازی کرد. همین تأکید مکرر بر بازسازی و عادی بودن روابط با جهان بود که باعث شد روحانی و پیروانش را اعتدال‌گرایان بنامند (Rezaei, 2017: 213). رویکرد تعاملی در ارتباط با دیگران دوطرفه و همه‌جانبه یعنی شامل ماهیت، محتوا، قلمرو، چگونگی و مناطق جغرافیایی بود.

۳.۴. خودگرایی

این مؤلفه در سیاست خارجی بر مبنای اصل بنیادین تحلیل هزینه و فایده و بهره‌گیری از اصل تفکیک امور از یکدیگر استوار است. در گفتمان اعتدال، با تکیه بر این دو اصل می‌توان ضمن خروج از بن‌بست‌های سیاسی، چهره‌ای جدید از ایران را در روابط بین‌الملل پدید آورد که با کاستن از هزینه‌ها، موجب پیشینه‌سازی منافع ملی می‌شود. در جمع‌بندی باید گفت از آنجا که هویت دولت‌ها محور تعریف آن‌ها از واقعیت و برساختن مسائلی مانند قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن و در نهایت تصمیم‌گیری و کنش آن‌ها است (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۸)، بنابراین تغییرات تاکتیکی مانند فضاسازی، گفتمان‌سازی و تصویرسازی در سیاست خارجی روحانی نشان‌دهنده تلاش او برای ارائه و ارسال یک هویت نقشی جدید از جمهوری اسلامی به نظام بین‌الملل بود (سلطانی‌نژاد، گودرزی و نجفی، ۱۳۹۴: ۱۸۰). این فرایند را می‌توان به صورت زیر نشان داد.



شکل ۱. فرایند شکل‌گیری هویت نقشی



با توجه به شکل ۱، تقدم سطح داخلی بر پایه تحول هنجارها مبنای تعریف هویت جدید و سپس ورود به نظام بین الملل را فراهم کرد. یک بازیگر به تنهایی نمی تواند هویت نقشی برای خود تعریف کند بلکه این هویت به رسالت و مأموریتی مربوط می شود که دولت برای خود در ارتباط با دولت های دیگر قائل است (دهقانی فیروز آبادی و ذیحی، ۱۳۹۱: ۸۰). در نتیجه، روحانی هم با اعلام رسالت خود به عنوان دولتی عقلانی برای حل بحران هسته ای بر اساس تعامل و مذاکره و سپس نشان دادن اراده سیاسی خود برای به نتیجه رساندن این رسالت، توانست درک نظام بین الملل را از هویت دولت خود به شکل هویتی متعامل و دوستانه باز تولید کند.

۴. متغیر فرد و نگرش کانتی به ساختار در گفتمان اعتدال

ساختارهای بینادهنی حاکم بر دولت ها که به شدت از ویژگی های فردی کارگزاران اصلی سیاست خارجی متأثر است نوع فرهنگ یا منطق آنارشی حاکم بر روابط بین الملل را برای آن ها تعیین می کند. این همان تعریف ونت از آنارشی به عنوان مفهومی است که دولت ها آن را می فهمند/ می سازند^۷ (Wendt, 1999: 6). تفاوت ها و ویژگی های متغیر فردی می توانند بسیار مهم باشند. اهمیت این متغیر تا آنجا است که نظریه پردازان متقدم تصمیم گیری مانند اسنایدر، بروک و ساپین اقدام دولت را اقدام افرادی می دانند که به نام دولت عمل می کنند (پورسعید، ۱۳۸۷: ۳۱۵). متغیر فرد شامل برداشت ها، تصورات، انگیزه ها، برتری ها، ایدئولوژی، سبک رهبری و شیوه تصمیم گیری، گزینه های سیاست خارجی و رفتار تصمیم گیرندگان را از یکدیگر متمایز می کند (نیاکویی و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۸۸). در نتیجه، سبک رهبری رئیس جمهور به معنای کیفیت دریافت اطلاعات و نوع ساختار ذهنی اش در رفتار سیاست خارجی و تصمیم گیری مؤثر است (Kaarbo, 1997: 553-558). بنابر این نگاه، اندیشه ها و ساخت های ذهنی روحانی تأثیر غیر قابل انکاری در شکل گیری هویت نقشی تعاملی گفتمان اعتدال داشته است. تأیید این مدعا را می توان این گفته روحانی دانست که اعتدال و صف رفتار فردی رئیس جمهور و دولتمردان است (دلوری، ۱۳۹۴: ۱۴۰). گفتمان اعتدال گرایی بیش از آنکه ساختار معنایی مشخص داشته باشد، برخاسته از تفکر و ذهنیت رئیس جمهور بود که نقشی تعیین کننده در دوام و قوام آن ایفا می کرد. علاوه بر این، ویژگی هایی مانند به تن داشتن لباس روحانیت، عضویت در مجلس خبرگان، پیشینه کار سیاسی و نقش مذاکره کننده ارشد در موضوع هسته ای، تأثیر گذاری روحانی را دوچندان می کرد (نیاکویی و زمانی، ۱۳۹۵: ۲۰۳).

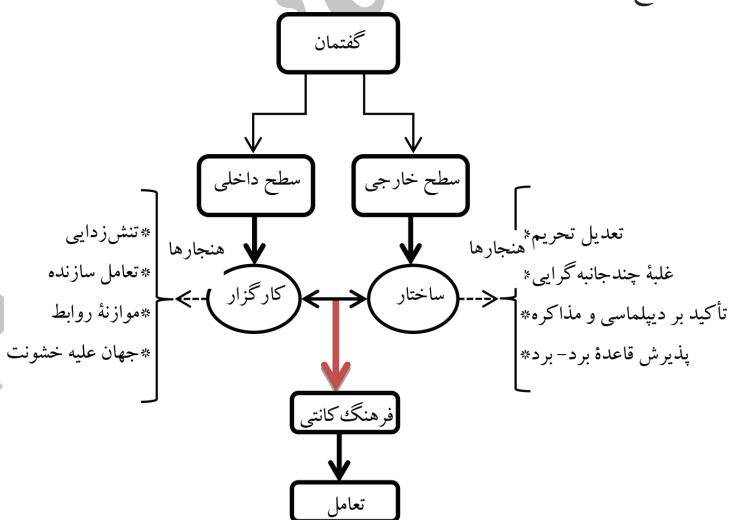
بر پایه همین ساخت ها و ویژگی های فردی خاص، روحانی ضمن توجه به هنجارها، اصول و آرمان های داخلی، معتقد بود در سطح بین الملل، سیاست خارجی باید روند جهانی را به درستی درک کند تا عاقلانه، منطقی و دقیق عمل شود. چرا که اگر این فرایند به درستی

7. Anarchy is what states make of it



درک نشود، نمی توان تحلیل درستی ارائه داد و تصمیم سازی و اجرا نیز قطعاً ناموفق خواهد بود (عیوضی و نوازی، ۱۳۹۳: ۵۵). بنابراین با این نگرش، گفتمان اعتدال دو سطح داخلی و خارجی را در بالاترین سطح همبستگی دید و لذا این دو سطح در حداکثر همپوشانی با هم قرار گرفتند. البته در طرف مقابل هم در بازیگران نظام بین الملل نسبت به ایران این برداشت به وجود آمد. به این معنا که گفتمان اعتدال و تمایل آن به تغییر، بزرگ ترین دارایی طرف مقابل تفسیر شد. در نتیجه، این نگرش های دو طرف باعث نوعی همبستگی شد که عدول از آن از سوی هر یک از بازیگران واگرایی تفسیر می شد (قوام و اعلائی، ۱۳۹۳: ۱۷). تلاش هر دو طرف در حفظ این همبستگی و اجتناب از متهم شدن به واگرایی، از یک طرف باعث سازگاری بین المللی^۸ ایران یا همان رویکرد بین الملل گرایی روحانی شد و از طرف دیگر جامعه بین الملل را به محافظه کاری و تجدید نظر در برخورد خود با ایران واداشت (محمدنیا، ۱۳۹۳: ۱۹۹).

در حقیقت روحانی با احاطه بر این امر که قدرت ساختاری نظام بین الملل به رهبری غرب طی چندین دهه به ایران اجازه نداده است که گزینه های رفتاری متنوعی داشته باشد، تنها راه مصاف با این قدرت ساختاری را تعامل با جامعه بین المللی و اقتناع آن می دانست (توحیدی و شریعتی نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۹). وی برای ایجاد این تعامل بر پایه اصل حرکت در چارچوب ساختار، نشانه های هویتی از خود صادر کرد که مورد توجه و احترام دنیا قرار گرفت (نیاکویی و زمانی، ۱۳۹۵: ۲۰۴). سایر بازیگران این علامت های ارسالی را تفسیر کردند و به صورت هویت دوستانه پاسخ دادند. جمع بندی این بحث را به این صورت می توان نشان داد:



شکل ۲. روند شکل گیری تعامل ایران و نظام بین الملل



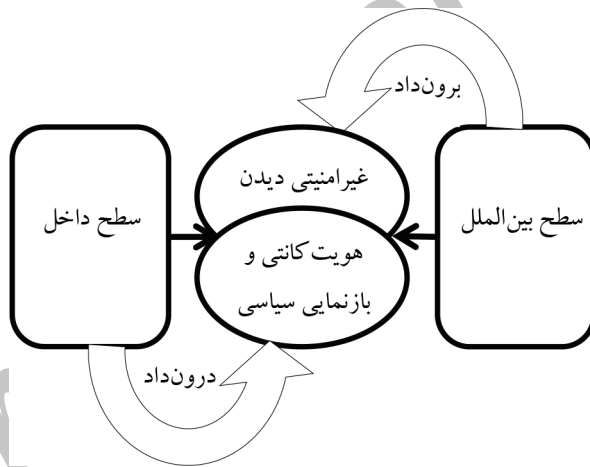
در توضیح شکل ۲ باید گفت سیاست خارجی محصول کنش متقابل کارگزار و ساختار است و در این فرایند بسته به ماهیت هنجارهای کارگزار و ساختار، زمینه تقابل یا تعامل بین این دو فراهم می‌آید. به همین علت، روحانی تنها به هنجارهای داخلی توجه نکرد بلکه با نگاه به هنجارها و اولویت‌های ساختار بین‌الملل تلاش کرد هنجارهای داخلی را متناسب با انتظارات و ارزش‌های بین‌الذنهانی مشترک تعریف و تعیین کند. در این مسیر هنجارهایی مانند تنش‌زدایی، تعامل سازنده و طرح جهان علیه خشونت زمینه تحول هنجارها و اقتناع سطح ساختار را فراهم نمود و در نهایت اشتراک هنجاری این دو سطح باعث غلبه فرهنگ کانتی و در نتیجه تعامل بین دو طرف شد.

۵. قالب‌بندی غیرامنیتی پرونده هسته‌ای

تقابل دوگانه مداوم بین ما - جامعه داخلی - و دیگری - جامعه بین‌الملل - (محمدنیا، ۱۳۹۳: ۱۵۰) باعث شکل‌گیری مسئله هسته‌ای در قالب موضوعی شده بود که هر یک از طرفین برای تقویت هویت خود و بازتولید دیگری به‌عنوان منبع تهدید این هویت از آن استفاده می‌کردند (ترک‌شوند و قورجیلی، ۱۳۹۲: ۸۴). اوج به کارگیری این روند از سوی ایران در دوره احمدی‌نژاد رقم خورد. در این دوره، افراطی شدن سیاست خارجی خود را در قالب ایدئولوژی خالص و به صورت امنیتی نشان داد و در نتیجه نیت جمهوری اسلامی به‌عنوان کشوری انقلابی حوزه و منبع اصلی بحران شناخته شد که اهدافش در تصادم با نظام بین‌الملل بود (شهیدی، ۱۳۸۸: ۶۹). به این ترتیب، گزینه مهار ایران با غلبه «روی میز بودن تمام گزینه‌ها» در دستور کار قرار گرفت (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۴: ۵۱). از این رو، یکی از اولویت‌های راهبردی دولت روحانی غیرامنیتی کردن چهره ایران در سطح نظام بین‌الملل بود. در این راستا، خروج پرونده هسته‌ای از موضوعی امنیتی شده به وسیله بازیگران نظام بین‌الملل، به موضوعی سیاسی می‌توانست بهترین گزینه روحانی برای برآورده شدن این هدف و تلطیف چهره ایران باشد. چرا که برنامه هسته‌ای ایران تا آن زمان، خود را در قالب تعبیری مانند ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و هلال شیعی نمایان ساخته بود (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۴۱). روحانی با برقراری توازن بین تقابل بازدارنده به‌عنوان دال مرکزی ستیزش و تسلیم بازنده به‌عنوان دال مرکزی گفتمان سازش، تعامل سازنده را محور دیپلماسی هسته‌ای خود قرار داد (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). از نگاه دولت اعتدال، مذاکرات و شفافیت برنامه هسته‌ای راه‌حل مناسبی برای این تعامل و نشان دادن عقلانی بودن ایران و واهی بودن بهانه‌های طرف‌های مقابل بود تا بدین وسیله دیوار ایران‌هراسی و تصویب تحریم‌ها که در سال‌های گذشته شکل گرفته بود ریخته شود (مرکز

مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۹۴: ۳۶).

در دولت روحانی، بازنمایی پرونده هسته‌ای در قالب یک موضوع غیرامنیتی براساس سه تاکتیک صورت گرفت. نخست تاکتیک رفتاری از طریق مذاکره و اتخاذ رویکرد آشتی‌جویانه، دوم تاکتیک گفتاری از طریق اصلاح بازنمودها و لحن گفتاری در سیاست خارجی و نهایتاً تاکتیک عملی با اتخاذ رویکردهای عملیاتی و دیپلماسی نتیجه‌بخش (سلطانی‌نژاد، گودرزی و نجفی، ۱۳۹۴: ۱۸۰). نتیجه این سه تغییر تاکتیکی، به حاشیه‌رانده شدن دال «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» و برجسته شدن دال «انرژی هسته‌ای آرمان نیست» بود. در واقع روحانی با این اقدام سطح دسترسی ایران به انرژی هسته‌ای را در عرض دیگر دسترسی‌های ملت قرار داد. این گفته روحانی که سانتریفیوژ باید بچرخد اما چرخ زندگی مردم نیز باید بچرخد، حاکی از این جابه‌جایی دال‌ها در گفتمان اعتدال و بازنمایی سیاسی پرونده هسته‌ای بود (علیپوریان و نوری اصل، ۱۳۹۳: ۱۰۱). شکل ۳ روند تغییر قالب‌بندی پرونده هسته‌ای را نشان می‌دهد.



شکل ۳. نحوه غیرامنیتی شدن پرونده هسته‌ای ایران

با توجه به شکل ۳، هنجارها و ارزش‌های گفتمان اعتدال خود را به صورت اقدامات و رفتارهای سیاست خارجی - نهاد (درون‌داد) - در قالب هویت کانتی و بازنمایی پرونده هسته‌ای در قالب موضوعی سیاسی و قابل مذاکره نشان داد، این امر به رفتار بازیگران دیگر در سطح بین‌الملل به‌عنوان داده (برون‌داد) در قالب نگاه غیرامنیتی به آن منجر شد. به این ترتیب، انعطاف در هر دو سطح داخلی و خارجی در تغییر ماهیت پرونده هسته‌ای از امنیتی



به غیرامنیتی کمک شایانی به روحانی کرد. به این شکل که در سطح داخلی طرح نرمش قهرمانانه و حمایت از روحانی برای مسلط بودن بر مذاکره - از جمله به صورت انتقال پیام روحانی به فرماندهان سپاه در شهریور ۱۳۹۲ مبنی بر عدم دخالت سپاه پاسداران در صحنه سیاسی - از سوی رهبری (Arikan, 2014: 3)، و در سطح خارجی استقبال و واکنش مثبت طرف‌های مقابل از گفتمان اعلام‌شده روحانی فرایند تبدیل پرونده به موضوعی سیاسی را تسهیل کرد. روند استقبال در سطح خارجی نیز طی فرایند جایگزینی گفتمان عقلانی به جای گفتمان هویتی با نگرش هابزی صورت گرفت. مبنای این جایگزینی نیز تناسب‌سازی و توجه هم‌زمان گفتمان اعتدال به هنجارهای داخلی و خارجی طی سه مرحله بود. مرحله اول به‌عنوان تغییر زبان به تغییر رفتار در مرحله دوم انجامید و این امر باعث انتقال به مرحله عمل و رسیدن به مقصد یعنی «واقعیت» شد. این واقعیت همان چیزی بود که ایران و نظام بین‌الملل به دنبال آن بودند که تحت عنوان صلح جهانی برای نظام بین‌الملل و ضامن صلح داخلی، رسیدن به حقوق هسته‌ای صلح‌آمیز و جایگاه بین‌المللی شایسته برای ایران تعریف شد (مرتضویان، عبدالخانی و حطه، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۲)

۶. راهبردهای تصمیم‌گیری در مورد پرونده هسته‌ای

پرمخاطره بودن، عدم اطمینان و احتمال خطر قابل توجه از مهم‌ترین ویژگی‌های محیط تصمیم‌گیری سیاست خارجی است (Mintz and Derouen, 2010: 3-4). روحانی توانست بر مبنای این محور که جمهوری اسلامی به هدف کلیدی خود یعنی بازدارندگی بدون زیر پا گذاشتن تعهداتش رسیده است، زمینه اجماع و همراه ساختن همه نهادهای کلیدی نظام را در پشتیبانی از مذاکرات هسته‌ای با شش قدرت جهانی فراهم آورد. هنر روحانی متقاعد کردن ساختار داخلی برای حل بحران بر پایه رویکرد برد-برد بدون انحراف از اصول انقلاب بود. او باید راهبردهایی را برای تصمیم‌گیری اتخاذ می‌کرد که برای دستیابی به بالاترین سود و پایین‌ترین هزینه هموارکننده راه باشند. الگوهای شهودی چندوجهی و گروه کوچک از جمله این راهبردها بود که باعث اطمینان‌پذیری و کاهش احتمال خطر تصمیمات شد. در ادامه راهبردهای روحانی را در اتخاذ رویکرد برد-برد می‌سنجیم.

۶.۱. راهبرد شهودی چندوجهی^۹

ویژگی‌ها و عناصر راهبرد شهودی چندوجهی را می‌توان به صورت ذیل بر فرایند تصمیم‌گیری دولت روحانی در خصوص پرونده هسته‌ای انطباق داد:



- این راهبرد در درجه اول بیانگر منطق رفتاری تناسب‌گرایی است. به این معنا که دولت آنچه را درست است انجام می‌دهد. چرا که منافع و اولویت‌های تصمیم‌گیری با تغییر در هنجارها و معانی تغییر می‌کند و مفهوم از قبل مشخصی تلقی نمی‌شود (محمدنیا، ۱۳۹۴: ۱۷۹). در راستای این ویژگی، جابه‌جایی دال‌ها و توجه همزمان به هنجارهای داخلی و خارجی زمینه تعریف روحانی از منافع و اولویت‌های برنامه هسته‌ای را تعیین کرد و بر این اساس تناسب‌گرایی و انتخاب گزینه درست مهم‌ترین ویژگی رویکرد روحانی در دیپلماسی هسته‌ای بود.

- در راهبرد شهودی چندوجهی اگرچه عوامل مربوط به محیط بین‌المللی مهم‌اند اما سیاست‌های داخلی عامل اصلی تولید نتایج سیاست خارجی محسوب می‌شوند (Jackson, 2015: 15). به عبارت دیگر، این الگو سیاست داخلی را اساس تصمیمات می‌داند و در آن، هنگام تصمیم‌گیری درباره یک موضوع، محاسبه وضعیت حمایتی و منافع حزبی برای رهبران بسیار مهم است (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۷۱). در راستای این مؤلفه، علاوه بر اینکه دال مرکزی گفتمان انتخاباتی روحانی یعنی حل پرونده هسته‌ای با منافع حزبی و سیاسی او گره خورده بود، فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها بیش از همه زمینه حمایت اکثریت افکار عمومی جامعه را از تیم مذاکره‌کننده روحانی برای حل بحران فراهم آورد.

با توجه به اینکه شهود و تصمیم‌گیری مبتنی بر آن به سادگی حاصل نمی‌شود بلکه مستلزم تجربه و بنیاد محکمی از شناخت موضوع و مسئله مورد نظر است (الوانی، ۱۳۷۹: ۱۳۹) می‌توان گفت احاطه و اشراف روحانی به موضوع هسته‌ای به دلیل داشتن سال‌ها مسئولیت ارشد در این حوزه، شناخت، تجربه و آگاهی عمیق ظریف از صحنه بین‌الملل و همچنین بهره‌گیری از دیپلمات‌های متخصص در ابعاد مختلف حوزه هسته‌ای به استفاده از این الگو در دولت وی منجر شد.

یکی از دیگر ویژگی‌های راهبرد شهودی چندوجهی توجه به نحوه انتخاب یا رد یک راه حل برای موضوع مورد نظر، و نیز توجه به این نکته است که چه کسی برنده یا بازنده تصمیم‌گیری است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۵۵). در انطباق این ویژگی، روحانی با شناخت ساختار نظام بین‌الملل و محدودیت‌هایی که این ساختار برای ایران ایجاد می‌کرد راه حل تقابل و تهاجم را رد کرد و تعامل را مسیر مصاف با این ساختار تشخیص داد. همچنین روحانی به شدت به قاعده بازی این مسیر توجه داشت؛ در نتیجه، برخلاف دوره‌های قبل که دیپلماسی را میدان تقابل و مسیر صرف امتیازگیری بدون امتیاز دادن تلقی می‌کردند، وی برای ماندگاری و تأمین منافع هر دو طرف بر قاعده برد-برد تأکید می‌کرد.

- مهم‌ترین ویژگی راهبرد شهودی چندوجهی محاسبه سود و زیان در یک روند



دومرحله‌ای یعنی ردّ گزینه‌های غیرقابل پذیرش و سپس انتخاب گزینه‌ای از میان بدیل‌های باقی‌مانده است در حالی که دربردارنده حداکثر منافع باشد (Mintz, 2004: 6). طبق این ویژگی از مهم‌ترین شاخص‌های تغییر در سیاست خارجی دولت اعتدال «انتخاب از میان گزینه‌های موجود» در قیاس با انتخاب‌های دولت قبل از «میان همین گزینه‌های موجود» بود (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۳). به عبارت دیگر، دولت روحانی در پرونده هسته‌ای براساس رویکرد هویت راهبردی یعنی توجه هم‌زمان به هویت سیاسی داخلی، ملاحظات امنیتی و ساختار نظام بین‌الملل (خلیلی، ۱۳۹۰: ۲۲۰) از بین راه‌های متعدد پیش رو راهی را اتخاذ کرد که به بیشینه کردن سود و کم کردن هزینه‌ها می‌انجامید. این راه مذاکره و بر پایه دو راهکار تقویت چندجانبه‌گرایی و امتیازدهی و امتیازگیری «برد-برد» بود و توانست از بار امنیتی پرونده هسته‌ای بکاهد و آن را به موضوعی سیاسی و قابل مذاکره تبدیل کند.

روحانی به خوبی تشخیص داد که نمی‌توان در نظام محافظه‌کار بین‌الملل که خواهان حفظ وضع موجود است با رویکرد مبتنی بر تقابل و تهاجم به منافع حداکثری دست یافت. از سوی دیگر، حقوق و منافع و به رسمیت شناختن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران خطوط قرمز دیپلماسی دولت روحانی محسوب می‌شدند. لذا، وی معتقد بود این فکر که ما در برابر جهان تنها دو راهکار داریم یعنی یا باید تسلیم شویم یا جهان را شکست دهیم غیرمنطقی است. در نتیجه، روحانی مذاکره را راه سوم و تنها مسیر واقعی و درست حل بحران می‌دانست (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۵). وی پایه این مذاکره را نیز توجه هم‌زمان به حفظ حقوق و منافع قانونی ایران و رفع نگرانی‌های طرف مقابل قلمداد می‌کرد. به این ترتیب، در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل طی تماس تلفنی که برای نخستین بار بین رئیس‌جمهور ایران و آمریکا صورت می‌گرفت، بر حل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای از طریق مذاکره تأکید کرد. این موضع‌گیری زمینه تسهیل فضا و مذاکرات جدی را در سطح وزیران امور خارجه فراهم کرد و در نهایت به امضای برجام ختم شد. مذاکرات بر پایه دو راهکار استوار بود:

- تقویت چندجانبه‌گرایی در مذاکره. با آغاز مذاکرات منتهی به برجام آمریکایی‌ها نه تنها رفتار اقتدارگرایانه پیشین را کنار گذاشتند بلکه در مسیر چندجانبه‌گرایی مطلوب ایران نیز گام نهادند. این امر تا اندازه‌ای پیش رفت که آمریکا مدافع پیشبرد مذاکرات و عاملی برای جلب نظر دیگر قدرت‌ها شد. به این ترتیب، برخلاف گذشته که ایران باید در مسیر امتیازدهی یا در معرض فشار گسترده بین‌المللی قرار می‌گرفت و در نهایت هم آمریکا نقش برهم زنده بازی را ایفا می‌کرد، در راه جدید این آمریکا بود که نقش حامی پیشبرد مذاکرات و جلب نظر سایرین را بازی می‌کرد (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۴۵). این تغییر رفتار



آمریکا را باید ناشی از دو عامل فرعی و یک رویکرد اصلی دانست. عوامل فرعی شامل مذاکره مستقیم با نمایندگان آمریکا در قالب نشست‌های دو یا چندجانبه و در نتیجه تلقی آمریکایی‌ها از حل بحران هسته‌ای ایران فراتر از یک طرح امنیتی و به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی بود (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۸۶). رویکرد اصلی نیز «دیپلماسی هسته‌ای در رفت‌وآمد»^{۱۰} (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۱۳) دولت روحانی بود که زمینه تقویت و غلبه چندجانبه‌گرایی و همراهی سایر قدرت‌ها را با ایران فراهم کرد.

- امتیازدهی و امتیازگیری. خصلت برجسته عقلانیت تصمیم‌گیری کنش در مسیرهایی است که بتواند اولویت‌ها و رفتارهای قابل انتظار دیگران را پاسخ دهد (متقی، ۱۳۹۲: ۱۷۲). این گزاره را می‌توان تأکید بر قاعده برد-برد یا رویکرد هزینه و فایده تفسیر کرد. در پرتو این مؤلفه، برای روحانی در سیاست خارجی به طور عام و در موضوع هسته‌ای به طور خاص تنها مجبور کردن سایر بازیگران به پذیرش مواضع ایران مهم نبود، بلکه در این مسیر هزینه دادن و تأمین منافع طرف مقابل هم مورد توجه قرار گرفت (نیاکویی و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). بنابراین عدم اعتقاد به معادله باخت-برد و باخت-باخت مبنای اصلی دیپلماسی هسته‌ای روحانی به شمار می‌رفت. چرا که وی معتقد بود این معادلات به دلیل حاصل جمع صفر، ماندگاری ندارند، اما در مقابل مذاکرات با نتیجه برد-برد ماندگار هستند. در نتیجه، مذاکرات ارتباط بین خواسته طرف مقابل و ایران تعریف شد که هم می‌توانست در طرف مقابل احساس باخت ایجاد نکند و هم منافع و حقوق ایران را تأمین کند (مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۹).

در جمع‌بندی این بحث می‌توان گفت محیط داخلی را پایه منافع و تصمیم‌گیری قرار دان، توجه به محدودرات و مقدورات محیط بین‌الملل، توجه تام به رویکرد هویت راهبردی، اولویت دادن به مصلحت و تأمین منفعت، و نیز انتخاب مناسب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه باعث شد تا راهبرد شهودی چندوجهی بتواند الگوی مناسبی برای سنجش رویکرد هسته‌ای روحانی باشد.

۲.۶. گروه کوچک^{۱۱}

تصمیم‌گیری در سطوح بالای دولت معمولاً به وسیله گروه‌های کوچک یا افراد قدرتمند انجام می‌شود. گروه کوچک تعدادی از افراد یا زیرگروه‌ها هستند که یک یا چند هدف مشترک دارند. هر عضو از این گروه قابلیت اقدام، به تنهایی، را دارد اما در عین حال با توجه به هدف گروه همه متعهد به همکاری در تصمیم‌گیری هستند (Radford, 1989: 101-)

10. Shuttle Nuclear Diplomacy

11. Small Group



102). رزاتی^{۱۲} از نظریه پردازان تصمیم گیری اشاره می کند که تشکیل یک گروه کوچک از تصمیم گیرندگان در سطح بالا با یک رهبر قوی در رأس باعث گرایش به هماهنگی و رسیدن به اجماع می شود (Mintz and Derouen, 2010: 45-97).

مهم ترین ویژگی های گروه کوچک که آن را با تصمیم گیری هسته ای روحانی قابل سنجش می کند عبارت اند از:

- واگذاری نقش ها به نهادهای خاص آن ها و تشکیل گروه کوچک. روحانی

معتقد بود این که چه کسی رئیس جمهور یا مسئول تیم مذاکره باشد بسیار حائز اهمیت است (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). براساس این اعتقاد یکی از اقدامات مهم وی واگذاری نقش ها به نهادهای خاص این نقش ها بود. چرا که شاخص مؤلفه هایی مانند تفکیک نهادهای سیاسی، گزینش تخصص مدارانه مقامات سیاسی، توزیع بار قدرت و تصمیم گیری در سطوح عمودی و افقی در دوره قبل به سطح پایین و آسیب پذیر رسیده بود (دلآوری، ۱۳۹۴: ۱۵۴-۱۵۳). بنابراین، روحانی به متعادل سازی سیاسی یعنی برخوردار کردن نهادها و نیروهای سیاسی از قدرت و فرصت متناسب با کارویژه هایشان اقدام کرد تا تأثیر گذاری و نظارت آن ها افزایش یابد (دلآوری، ۱۳۹۴: ۱۴۳). اولین قدم او در این مسیر انتقال پرونده هسته ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه بود. این امر سه پیام مهم را به همراه داشت. اول آن که این انتقال که مورد حمایت رهبر نیز بود به معنی در اختیار گرفتن مذاکرات از سوی روحانی بود (Wastnidge, 2016: 1). دوم این که باعث شد وزیر امور خارجه به عنوان مذاکره کننده ارشد در مذاکرات حاضر شود و این زمینه اراده سیاسی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات را فراهم کرد (سلطانی نژاد، گودرزی و نجفی، ۱۳۹۴: ۱۹۸). نهایتاً این که با این انتقال، پایه گروه کوچک در وزارت خارجه شکل گرفت و این گروه را باید مرکز و مدار فرایند تصمیم گیری درباره پرونده هسته ای در این دوره دانست.

- تقسیم کار و ایجاد زیر گروه ها. از مهم ترین ویژگی های گروه کوچک وجود زیر گروه ها

است. در این خصوص، تیم مذاکره کننده روحانی به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم شد. گروه اول شامل دیپلمات های ارشد و مسئول مذاکره مستقیم و رودررو بودند و دسته دوم شامل گروه های سطح کارشناسی در حوزه های مختلف سیاسی، انرژی و حقوقی بود که نقش مشورتی و ارائه اطلاعات فنی را به عهده داشتند. این تقسیم کار باعث اشراف اطلاعاتی، رفع نقص ارزیابی داده ها و اطلاعات و ممانعت از موازی کاری شد. ضمن این که رفع برخی مشکلات در سطح گروه کارشناسی رسیدن به توافق سیاسی را تسهیل کرد. در این خصوص



به اعتراف ارنست مونیز^{۱۳} حضور صالحی و مذاکرات او در حل برخی مسائل فنی و کوتاه شدن زمان گفت‌وگوها تأثیر غیرقابل انکاری داشت.

- تجربه، تخصص و مهارت. این مؤلفه را که از ویژگی‌های گروه کوچک است باید برجسته‌ترین شاخص گروه مذاکره‌کننده روحانی دانست. تسلط کامل به زبان طرف مقابل، شناخته شدن به خاطر سابقه حضور در مجامع بین‌المللی و تحصیلات دانشگاهی مرتبط با حوزه‌های دیپلماسی، مذاکره سیاسی و روابط بین‌الملل از ویژگی‌های گروه کوچکی بود که روحانی ایجاد کرده بود. برای مثال، محمدجواد ظریف، مسئول مذاکرات، دکترای مطالعات بین‌الملل از دانشگاه دنور، سیدعباس عراقچی، دکترای اندیشه سیاسی از دانشگاه کنت انگلستان، مجید تخت‌روانیچی، دکترای علوم سیاسی از دانشگاه برن سوئیس، و جمشید ممتاز، دکترای حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس، داشتند. به این ترتیب، برجستگی این شاخص‌ها اجماع و روندهای جدیدی را بر مدار گذار از محدودیت‌ها، با رویکرد معطوف به حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشه‌هسته‌ای ایران و غرب در هر دو طرف به وجود آورد (حسن راجی، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

- اجماع و هماهنگی. در گروه کوچک اجماع مؤلفه‌ای بسیار مهم است. سوابق کاری مشابه و مهم‌تر از آن ادراکات ذهنی و روانی مشابه اعضای گروه مذاکره‌کننده به راحتی زمینه هماهنگی و انطباق بین آن‌ها را فراهم کرد. علاوه بر این وجود ظریف در رأس گروه به‌عنوان دیپلماتی کارآزموده و مورد احترام طرف‌های غربی که ارتباطات خوبی با تعداد زیادی از دیپلمات‌های ارشد خارجی داشت (Giles, 2015: 8) مانع از هرگونه تفرق و ناهماهنگی می‌شد.

- تمرکز بر هدف اصلی. جوهر تشکیل گروه کوچک، تصمیم‌گیری در خصوص یک مسئله خاص است. مطابق با این ویژگی برخلاف دوره قبل که فرایند دیپلماسی هسته‌ای تنها مذاکره برای مذاکره بود و به جای تمرکز بر مسئله اصلی مسائل حاشیه‌ای و فرعی مانند محل مذاکرات به چالشی اساسی تبدیل می‌شد و برای حل آن هفته‌ها و ماه‌ها وقت صرف می‌شد، در دولت روحانی تمرکز اصلی گروه تنها بر مسئله اصلی پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها قرار داشت. این الگوی رفتاری از ورود مسائل متعدد حاشیه‌ای به روند مذاکرات جلوگیری کرد و در نتیجه مذاکره‌کنندگان به دلیل سروکار داشتن با یک مسئله از اقدام به خریدن زمان جلوگیری نمودند و کوشیدند در کوتاه‌مدت آن را حل کنند.

با توجه به عوامل بالا می‌توان گروه کوچک را ستون فقرات و شاه‌مهره دستگاه دیپلماسی هسته‌ای روحانی در راه رسیدن به توافق و حل بحران قلمداد کرد.

13. Ernest Moniz



۷. نتیجه

هویت مبتنی بر نقش به‌عنوان شاکله اصلی تصمیم‌سازی و اجرای سیاست خارجی به یک اندازه در منازعه یا فرونشاندن مناقشه هسته‌ای ایران تأثیر داشته است. از این رو، لازمه حل بحران هسته‌ای تغییر درک طرف‌های مقابل از هویت ساخته‌شده ایران بود و زمینه این تغییر با تحول و بازاندیشی در انگاره‌ها، هنجارها و معانی به وجود می‌آمد. طبق این قاعده روحانی متأثر از ویژگی‌های فردی و ساختار ذهنی خود، با تأکید بر عناصری مانند تعادل، تعامل سازنده، خردگرایی و تعدیل ایدئولوژی زمینه تحول هنجارها و باورها را در سطح داخلی فراهم کرد. این امر باعث شکل‌گیری هویت خاص مبتنی بر نقش در قالب فرهنگ تعاملی و کانتی و سپس ورود به تعاملات بین‌المللی با این هویت شد. در واقع، گفتمان روحانی به دلیل قرابت هنجاری که با ساختار داشت باعث تعامل ایران کارگزار و ساختار بین‌الملل شد. از این رهگذر ایران به سازگاری نسبی بین‌المللی و جامعه بین‌الملل نیز به تجدیدنظر در رابطه خود با جمهوری اسلامی روی آورد. مهمترین دستاورد این دو تغییر تبدیل پرونده هسته‌ای به موضوعی غیرامنیتی بود. فرایند این غیرامنیتی‌سازی در سطح داخلی از طریق تعدیل بُعد هویتی و ایدئولوژیکی برنامه هسته‌ای و همچنین هم‌عرض‌سازی آن با سایر منافع و اهداف ملی بود. در سطح خارجی نیز روحانی بر پایه تاکتیک‌های گفتاری، رفتاری و عملی درک نادرست نظام بین‌الملل را از نیات هسته‌ای ایران تصحیح کرد. بزرگ‌ترین نمود عینی این امر خروج ایران از ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل بود. پس از این اتفاق فعالیت‌های هسته‌ای ایران دیگر تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی به شمار نمی‌رفت. به این ترتیب غیرامنیتی شدن پرونده هسته‌ای موجب اولویت یافتن منطق تناسب، محاسبه هزینه و فایده، همگرایی و رفع تضاد شد. برای رسیدن به این اهداف و بالاترین میزان کارآمدی، دولت روحانی راهبردهای شهودی چندوجهی و گروه کوچک را برای تصمیم‌گیری در پرونده هسته‌ای به کار گرفت. در این مسیر راهبرد شهودی چندوجهی به رد گزینه تقابل و تهاجم و اتخاذ راه حل مذاکره بر پایه دو قاعده برد-برد و تقویت چندجانبه‌گرایی منجر شد که از نظر روحانی مناسب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه بود. در اتخاذ این راه نیز گروه کوچکی که روحانی بنیان گذاشت نقش ستون فقرات و شاه‌مهره دستگاه دیپلماسی او را بازی کرد.

کتابنامه

آجیلی، هادی و رحیم افشاریان. ۱۳۹۵. «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال ۵. شماره ۱۹. صص ۴۳-۷۳.

ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله. ۱۳۹۴. «کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام



- و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱». فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. سال ۸. شماره ۳۰. صص ۱-۲۸. امینی، پرویز. ۱۳۹۳. تحلیل نظری دولت یازدهم. تهران: نشر آفتاب توسعه.
- بزرگمهری، مجید و فاطمه احمدیان. ۱۳۹۲. «مؤلفه‌های مشترک صلح در نظریه سازه‌نگاری و ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها». فصلنامه سیاست خارجی. سال ۲۷. شماره ۳. صص ۶۳۷-۶۵۷.
- پورسعید، فرزاد. ۱۳۸۷. «ساختار و روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: تحلیل متون آموزشی و پژوهشی». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۱. شماره ۲. صص ۱-۱۳۱. ۱۴۸.
- ترک‌شوند، عابدین و حامد قورچیلی. ۱۳۹۲. «تقابل هسته‌ای ایران و آمریکا از منظر رویکرد سازه‌نگاری». مجله پژوهش‌های سیاسی. سال ۳. شماره ۶. صص ۷۳-۹۴.
- توحیدی، زهرا و محسن شریعتی‌نیا. ۱۳۹۲. «ایران و قدرت ساختاری غرب». فصلنامه روابط خارجی. سال ۵. شماره ۳. صص ۱۲۵-۱۵۰.
- جعفری، علی‌اکبر و دیان جانباز. ۱۳۹۵. «تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال ۴. شماره ۱۶. صص ۹۳-۱۲۰.
- جمشیدی، محمد. ۱۳۹۴. «تأثیر فرایند توافق هسته‌ای بر ادراک آمریکا از عقلانیت راهبردی ایران». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال ۴. شماره ۱۵. صص ۶۹-۹۴.
- حسن راجی، محمدمهدی. ۱۳۹۲. «تجزیه و تحلیل گفتمان امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران از آبرگفتمان سلبی‌گرایی تا خرده‌گفتمان ایجابی‌گرایی». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. سال ۹. شماره ۲۵. صص ۱۲۳-۱۶۸.
- حیدری، ناصرالدین. ۱۳۹۲. «مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی و برنامه هسته‌ای و موشکی ایران؛ با تمرکز بر قطعنامه ۱۹۲۹». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۶. شماره ۴. صص ۱۵۷-۱۸۶.
- خلیلی، رضا. ۱۳۹۰. «هویت استراتژیک: چارچوبی نوین برای مطالعه سیاست‌های هسته‌ای». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۴. شماره ۴. صص ۱۹۳-۲۲۶.
- خلیلی، رضا. ۱۳۹۵. «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام؛ رویکردی استراتژیک». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۹. شماره ۲ (۷۲). صص ۱۳۱-۱۵۸.
- دلاوری، ابوالفضل. ۱۳۹۴. «اعتدال‌گرایی و تعادل سیاسی بایسته‌های سیاست اعتدال در سپهر سیاسی کنونی ایران». فصلنامه راهبرد. سال ۲۴. شماره ۷۵. صص ۱۳۹-۱۶۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و رضا ذبیحی. ۱۳۹۱. «تأثیر هویت اسلامی-انقلابی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای (دوره خاتمی و احمدی‌نژاد)». فصلنامه علوم سیاسی. سال ۱۵. شماره ۵۹. صص ۷۵-۱۰۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی عطائی. ۱۳۹۳. «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۱. شماره ۱. صص ۸۷-۱۲۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی عطائی. ۱۳۹۴. «تحلیل گفتمانی سیاست هسته‌ای دولت



- احمدی نژاد از هژمونی تا افول». فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل. سال چهارم. شماره ۱. صص ۲۲-۵۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۹۳. «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه سیاست خارجی. سال ۲۸. شماره ۱. صص ۱-۳۹.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام و سیدمحسن میرحسینی. ۱۳۹۴. «بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال براساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا». فصلنامه راهبرد. سال ۲۳. شماره ۷۴. صص ۲۳۵-۲۵۰.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام. ۱۳۹۴. «رویکردهای چهارگانه تجزیه و تحلیل سیاست خارجی: مورد دولت یازدهم». فصلنامه روابط خارجی. سال ۷. شماره ۲۵. صص ۹۳-۱۲۰.
- روحانی، حسن. ۱۳۹۰. «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای». تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک. سلطانی نژاد، احمد، سهیل گودرزی و مصطفی نجفی. ۱۳۹۴. «توافق وین: تداوم یا تغییر در دیپلماسی هسته‌ای؟». فصلنامه پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل. سال ۸. شماره ۳۱. صص ۱۷۵-۲۰۳.
- سلیمانی، غلامعلی. ۱۳۹۰. «نقد و بررسی مدل عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی؛ از گونه‌های تعدیل‌شده الگوی عقلانی تا مدل‌های جایگزین». فصلنامه سیاست خارجی. سال ۲۵. شماره ۲. صص ۳۲۹-۳۵۹.
- شهیدی، محمود. ۱۳۸۸. «نقش خاص‌گرایی‌ها در شکل‌گیری توافقات بین‌المللی در پرونده هسته‌ای ایران». فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. شماره ۱۹. صص ۵۷-۷۷.
- علیپوریان، طهماسب و احد نوری اصل. ۱۳۹۳. «تحول یا تغییر گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مقایسه سیاست خارجی دوران احمدی‌نژاد و روحانی». فصلنامه مطالعات سیاسی. سال ۷. شماره ۲۵. صص ۷۹-۱۰۸.
- عیوضی، محمدرحیم و علی نوازی. ۱۳۹۳. «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و روحانی در مواجهه با سازمان ملل». فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی. شماره ۵۸. صص ۳۹-۷۴.
- قوام، سیدعبدالعلی و مهدی اعلایی. ۱۳۹۳. «از هسته‌ای شدن در بستر جامعه‌پذیری تا جامعه‌پذیری در بستر هسته‌ای شدن». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. سال ۱۰. شماره ۲۷. صص ۷-۳۴.
- متقی، ابراهیم و حجت کاظمی. ۱۳۸۶. «سازهانگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه سیاست. سال ۳۷. شماره ۴. صص ۲۰۹-۲۳۸.
- متقی، ابراهیم. ۱۳۹۲. «تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی». فصلنامه راهبرد. سال بیست و یکم. شماره ۶۷. صص ۱۶۵-۱۹۲.
- محمدنیا، مهدی. ۱۳۹۳. «سازهانگاری کلی‌گرا: رهیافتی جامع برای توضیح رفتارهای سیاست خارجی ایران». فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر. سال ۵. شماره ۱. صص ۱۳۵-۱۵۸.
- محمدنیا، مهدی. ۱۳۹۴. «بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های اصول‌گرا و اعتدال». فصلنامه سیاست پژوهی. سال ۲. شماره ۱. صص ۱۷۵-۲۰۴.
- مرتضویان، سیدعلی، لنا عبدالخانی و مصطفی حطه. ۱۳۹۲. «گفتمان هویتی از منظر سازهانگاری در



- گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و نظام بین‌الملل». فصلنامه پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل. سال ۶. شماره ۲۱. صص ۱۰۹-۱۳۸.
- مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی. ۱۳۹۴. دیپلماسی هسته‌ای دکتر حسن روحانی ریاست جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل محتوای کیفی سخنان رئیس‌جمهور (۱۳ مرداد ۱۳۹۲ تا ۱۳ مهر ۱۳۹۴) [کتاب الکترونیکی]. چاپ ۱. تهران: معاونت پژوهش و نشر. قابل دسترس در: <http://www.ketabnama.tarbiateslami.com>[۲۵/۶/۱۳۹۶]
- مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۳. «سازهانگاری به‌عنوان فرآیند در روابط بین‌الملل». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۶۵. صص ۱۱۳-۱۴۴.
- نیاکویی، سیدامیر و محسن زمانی. ۱۳۹۵. «تبیین دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم با بهره‌گیری از مدل تصمیم‌گیری روزنا». فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. سال ۹. شماره ۲۳. صص ۱۸۱-۲۱۷.
- الوانی، سیدمهدی. ۱۳۷۹. «تصمیم‌گیری شهودی: ویژگی‌ها و کاربردها». مجله مطالعات دفاعی. شماره ۶ و ۵. صص ۱۳۷-۱۵۰.
- ونت، الکساندر. ۱۳۸۴. نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هادیان، ناصر. ۱۳۸۲. «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی». مجله سیاست خارجی. سال ۱۷. شماره ۴. صص ۹۱۵-۹۵۰.
- یاقوتی، محمدمهدی. ۱۳۹۰. «تحلیل سیاست خارجی و هویت خارجی جمهوری اسلامی ایران». مجله سیاست خارجی. سال ۲۵. شماره ۱. صص ۱-۲۸.

- Arikan, Pinar. 2014. "Change in Foreign Policy of Iran Under Rouhani Government and Its Reflections in Domestic Politics". Orsam Review Of Regional Eglonal Affairs. No 1, pp 1-8.
- Bjorkdahl, Annika. 2002. "Norms in International Relations: Some Conceptual and Methodological Reflections". *Journal Cambridge Review of International Affairs*. Vol 15. No 1. pp 9-23.
- Giles, Keir. 2015. "Prospects for Iran's New Direction". Strategic Studies Institute. U.S. Army War College Press. February 2015. available at: <http://www.dtic.mil/get-tr-doc/pdf?AD=ADA615287>.
- Haghgoo, Javad, Zahed Ghaffari Hashjin and Mohammad Aghaei. 2017. "A Review of the Turnaround in Iranian Foreign Policy during President Hassan Rohani's Administration". *Journal of History Culture and Art Research*. Vol 6. No 3. pp 245-263.
- Jackson, Taylor. 2015. "The effect of interest groups on poliheuristic decision



- making”. Department of Political Science Simon Fraser University. available at: <http://www.summit.sfu.ca/item/15651>.
- Kaarbo, Juliet. 1997. “Prime Minister Leadership Styles in Foreign Policy Decision-Making: A Framework for Research”. *Political psychology*. Vol 18. No 3. pp 553-581.
- Katzenstein, Peter. 1996. *Cultural Norms and National Security*. Cornell Studies in Political Economy: Cornele university Press.
- Mansbach, Richard. 2002. *Territorializing Global Politics*. In Donald Puchala. *Vision of International Relations*. Columbia: University of South Carolina Press.
- Mintz, Alex and Karl Derouen. 2010. *Understanding Foreign Policy Decision Making*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mintz, Alex. 2004. “How Do Leaders Make Decisions?: A Poliheuristic Perspective”. *Journal of Conflict Resolution*. Vol 48. No 3. pp 1-13.
- Mohammad Nia, Mahdi. 2012. “Iran’s Foreign Policy: Toward a Constructivist Perspective”. *The Journal of Political Science*. Vol 30. No 1. pp 1-40.
- Orjita, Aloysius. 2011. *Social Constructivism In International and The Gender Dimension*. New York: Macmillan press.
- Radford, K.J. 1989. *Individual and Small Group Decisions*. New York: Springer.
- Rezaei, Farhad. 2017. *Iran’s Nuclear Program 1979-2015: A Study in Proliferation and Rollback*. Switzerland: Palgrave Macmillan
- Schweller, Randall. 2014. “China’s Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination”. *International Journal of Korean Unification Studies*. Vol 23. No 2. pp 1-40.
- Warnaar, Maaïke. 2013. *Iranian Foreign Policy during Ahmadinejad: Ideology and Actions*. New York: Palgrave Macmillan.
- Wastnidge, Edward. 2016. “Strategic Narratives and Iranian Foreign Policy into the Rouhani Era”. available at: <http://www.e-ir.info/2016/03/10/strategic-narratives-and-iranian-foreign-policy-into-the-rouhani-era/>.
- Wendt, Alexander. 1995. “Constructing International Politics Author”. *International Security*. Vol 20. No 1. pp 71-81.
- wendt, Alexander. 1999. *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Woods, Ngair. 1977. *Explaining International Relations since 1945*. London: Oxford University Press.